

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سیده نیلوفر حسینی

گرافیسیت: سیده زهرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)

ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویست شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،  
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،  
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه  
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. سید طالب زکی، دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و معارف اسلامی،  
جامعه المصطفی العالمیه، قم.
۶. دکتر محمد اسماعیل حلیمی، دکترای جزا و جرم شناسی، جامعه  
المصطفی العالمیه، قم

## فهرست مطالب

۷	جایگاه اهل بیت در آیه «مودّت»
۲۵	گونه شناسی رویکرد فقه حکومتی در استنباط احکام
۴۳	تحلیل عنصر مادی و معنوی قذف الکترونیکی
۵۹	نگاهی به روابط تجاری ایران و افغانستان در سه حکومت گذشته ایران
۸۵	تمرین تمرکز مجدد جهت درمان وسواس در آموزه‌های اسلامی
۱۰۳	دین و انسجام اجتماعی
۱۲۱	تحلیل کتاب‌های دروس اجتماعی دوره ابتدای افغانستان از حیث همزیستی مسالمت آمیز مذاهب و اقوام در پرتو تربیت دینی
۱۳۹	وجود ذهنی و رابطه آن با علم در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه شهید مطهری و علامه مصباح یزدی
۱۶۷	حکم توبه مرتکب کبیره از دیدگاه مذاهب کلامی شیعه
۱۸۹	حکم وضعی اهل کتاب از منظر شیخ طوسی و محقق خوئی



سال چهارم، پاییز ۱۴۰۳، شماره ۱۵

## حکم وضعی اهل کتاب از منظر شیخ طوسی و محقق خوئی

مهدی عباسی<sup>۱</sup>

چکیده

تحقیق پیش‌رو با موضوع حکم وضعی اهل کتاب که هدف بررسی طهارت یا نجاست ایشان را از منظر شیخ طوسی و آیت‌الله خوئی تعقیب کرده‌است. شیخ طوسی قائل به نجاست اهل کتاب بوده و ادله ایشان آیات قرآن، اجماع مسلمین و شیعه، روایات و موافقت با احتیاط است که مبتنی بر این حکم، اجتناب از اهل کتاب را لازم دانسته‌اند. از طرفی آیت‌الله خوئی پس از کنار گذاشتن شهرت حکم به نجاست در میان متقدمین، روایات مذکور را برای اثبات نجاست اهل کتاب ناتمام دانست. در پایان طبق جمع بندی ادله بیان شد که نظر آیت‌الله خوئی اقوی می‌باشد چرا که روایات دال بر طهارت اهل کتاب بر روایات دال بر نجاست غلبه دارند زیرا روایات دال بر نجاست قابل توجیه‌اند. این مقاله نسبت به مقاله‌های انجام شده این تمایز را داشت که به بررسی تفصیلی ادله شیخ طوسی که از قداما می‌باشد و آیت‌الله خوئی که از معاصرین می‌باشد، پرداخته‌است و به نحوه رویایی معاصرین با اجماع قداما اشاره کرده‌است.

کلیدواژه: نجاست، اهل کتاب، نجاست اهل کتاب، شیخ طوسی، آیت‌الله

خوئی

## ۱. مقدمه

امروزه به دلیل ارتباطات جهانی و گسترش مراودات تجاری، فرهنگی، زیستی، نفوذ اسلام در کشورهای غیر اسلامی و... ارتباطات مسلمین و اهل کتاب به نحو چشم‌گیری افزایش پیدا کرده‌است. از جمله موارد حائز اهمیت در گستره این روابط، نجاست اهل کتاب می‌باشد که می‌تواند حدود روابط مسلمین با اهل کتاب را مشخص نماید. لذا در این مقاله بر آن شدیم تا به این نکته پی ببریم که طبق نظر اسلام اهل کتاب نجس هستند یا خیر؟ اگر در این تحقیق به این نتیجه برسیم که اهل کتاب ظاهر هستند مسلمین می‌توانند مراودات خود را بدون هیچ مشکلی ادامه دهند؛ از جمله این مراودات میتوان به رفتار اقتصادی مسلمین و استفاده از همه محصولات غذایی حلال اهل کتاب توسط مسلمین اشاره کرد. و یا می‌توان صنعت گردشگری را نام برد که در صورت اثبات طهارت اهل کتاب آن‌ها جواز حضور در اماکن مذهبی مسلمین را پیدا خواهند کرد. بدیهی است که در صورت اثبات نجاست آن‌ها، در این موارد محدودیت‌های زیادی برای مسلمین و اهل کتاب پیش خواهد آمد.

بر اساس تحقیقات قبلی تا کنون به مسائل ذیل پرداخته شده‌است: درباره نجاست اهل کتاب، مقاله طهارت یا نجاست اهل کتاب از دیدگاه فقهای شیعه، به بررسی اقوال علما به صورت مختصر پرداخته‌است. (عقیله سادات مقدسنیان، صفحه ۶۷، سال ۱۳۹۹) اما در این مقاله به بیان ادله دو تن از فقهای شیعه به نحو مفصل پرداخته‌ایم. هم‌چنین درباره طهارت یا نجاست اهل کتاب مقاله طهارت و نجاست اهل کتاب از دیدگاه امام خمینی، خویی، حکیم و شیخ انصاری، به بررسی نظرات این فقها که از همگی از معاصرین می‌باشند پرداخته‌است. (سیدحسین عابدیان، علی عزیزیان، سال ۱۳۹۷) اما در مقاله حاضر، به بیان نظر شیخ طوسی که از متقدمین فقها می‌باشد نیز پرداخته‌ایم. ضمناً مقاله بررسی آیات تعاملات اجتماعی اسلام با اهل کتاب بر اساس نظریه کنش کالمی جان سرل با محوریت سوره آل عمران در صدد آن بوده که با توجه به بافت سوره آل عمران به چگونگی تعاملات اجتماعی مسلمانان با اهل کتاب دست یابد. (شادی نفیسی صفحه ۲۰۷، سال ۱۴۰۱) اما

در مقاله پیش‌رو به بیان تفصیلی ادله نجاست اهل کتاب از منظر دو تن از فقهای شیعه پرداخته‌ایم.

اهل کتاب، پیروان مذاهب و ادیانی می‌باشند که پیامبر آنان دارای کتاب آسمانی بوده‌است. فقها با استناد به آیات قرآن و روایات، عنوان اهل کتاب را در رتبه اول شامل: یهودیان، نصرانیان (مسیحیان) و مجوس (زرتشتیان) نموده‌اند و سپس پیروان بعضی از مذاهب مانند صابئین را نیز به اهل کتاب ملحق نموده‌اند. مراد از حکم وضعی نیز نجاست یا طهارت ذاتی می‌باشد. در میان فقهای شیعه نسبت به طهارت و یا نجاست آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. ما از میان ایشان تنها ادله شیخ طوسی به عنوان نماینده‌ای از قدما و آیت الله خوئی به عنوان نماینده‌ای از معاصرین را ذکر می‌کنیم. نظر شیخ طوسی و مرحوم خوئی نسبت به حکم وضعی اهل کتاب چیست؟ توجیه ادله نجاست اهل کتاب از منظر شیخ طوسی چگونه است؟ ادله طهارت اهل کتاب از منظر آیت‌الله خوئی چیست؟ نظر نهایی آیت‌الله خوئی نسبت به حکم وضعی اهل کتاب چیست؟ جمع بندی نهایی نظر شیخ طوسی و آیت‌الله خوئی چیست؟

## ۲. حکم وضعی اهل کتاب از منظر شیخ طوسی

با توجه به موارد زیر شیخ طوسی قائل به نجاست اهل کتاب می‌باشد:

۱. حکم به عدم جواز استعمال ظروف مشرکین برای مسلمین (طوسی، ۱۴۰۷ ه. ق،

ج ۱، ص ۷۰)

۲. حکم به عدم جواز داخل شدن مشرکین مسجد الحرام به دلیل نجاست مشرکین که از آی ه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَاهِمِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا مشرکان نجس هستند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند دانا و حکیم است. « (توبه/ ۲۸) استفاده می‌شود و با وجود اثبات نجاست آن‌ها و این‌که مساجد باید از نجاست دور باشند



حکم به عدم جواز ورود مشرکین به مسجد الحرام می‌شود. (طوسی، ۱۴۰۷. ه. ق، ج ۱، ص ۵۱۸).

۳. ادعای اجماع بر عدم جواز غسل دادن مشرک توسط مسلمان. (طوسی، ۱۴۰۷. ه. ق، ج ۱، ص ۷۰۰).

۴. حکم ایشان به این‌که اگر گروهی از مشرکین به عنوان نماینده بر امام مسلمین داخل شوند احتیاط این است که آنان را به مسجد راه ندهند و اینکه پیامبر (ص) اسرای یهود را در مسجد مدینه منزل داده بود دلیل بر جواز این عمل نمی‌شود چرا که این عمل ایشان قبل از نزول آیه منع ورود اهل کتاب به مسجد بوده است. (طوسی، ۱۳۸۷. ه. ق، ج ۲، ص ۴۷).

۵. هم غذا شدن با هیچ کدام از اقشار کفار جایز نیست. هم چنین استفاده از ظروف آنان نیز جایز نمی‌باشد مگر این‌که شسته شوند همچنین خوردن غذایی که با دست و بدن کفار برخورد کرده باشد جایز نیست چون آنان نجس هستند و غذا هم به وسیله تماس با آنان نجس می‌شود. (طوسی، ۱۴۰۰. ه. ق، ص ۵۸۹).

۶. جایز نیست مشرکین داخل مسجد شوند و همچنین جایز نیست که مسلمانان به مشرکین اجازه وارد شدن به مسجد را بدهند. چون که مشرک نجس است و مساجد باید از نجاسات پاک باشند. (طوسی، ۱۳۸۷. ه. ق، ج ۱، ص ۹۵).

۷. مشرک به هیچ وجه نباید وارد حرم شود به دل‌یل آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا مشرکان نجس هستند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند دانا و حکیم است» (توبه/۲۸). (طوسی، ۱۳۸۷. ه. ق، ج ۱، ص ۹۵).

۸. طهارت گرفتن با نیم خورده اهل کتاب جایز نیست و دلیل این امر آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا مشرکان نجس هستند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد

الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی نیاز می سازد؛ خداوند دانا و حکیم است. « (توبه/۲۸) و اجماع مسلمین می باشد که دلالت بر نجاست مشرکین و کفار و در نتیجه نجاست نیم خورده آنان خواهند کرد. (طوسی، ۱۴۰۰ ه. ق، ص ۵).

با توجه به عبارات مرحوم شیخ، ادله ایشان نسبت به نجاست ذاتی اهل کتاب و احکام مذکور، آیات قرآن کریم (توبه/۲۸)، اجماع مسلمین (طوسی، ۱۳۶۵ ه. ق، ص ۲۲۳ و ص ۲۶۲)، روایات اهل بیت (ع) (طوسی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۷۵) (طوسی ۱۳۶۵ ه. ق، ص ۲۲۳)، اجماع شیعه (طوسی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۷۰) و موافقت با احتیاط (طوسی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۱، ص ۷۰) می باشند.

### ۳. حکم وضعی اهل کتاب از نظر آیت الله خویی

آیت الله خویی ابتدا پس از بیان شهرت بین متقدمین، نسبت به نجاست اهل کتاب و کنار گذاشتن آن، به بازبینی ادله موجود فارغ از رای دیگران می پردازد. ایشان پس از بررسی روایات دال بر نجاست اهل کتاب، به بررسی روایات دال بر طهارت آن‌ها می پردازد و سرانجام با توجه به ادله موجود، نظر خود را بیان می نماید. حال به بیان سخن ایشان می پردازیم:

#### ۳-۱. ادله نجاست

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ آيَةِ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَالْمَجُوسِ؛ فَقَالَ لَا تَأْكُلُوا فِي آيَتِهِمْ وَلَا مِنْ طَعَامِهِمُ الَّذِي يَطْبُخُونَ وَلَا فِي آيَتِهِمُ اللَّيِّ يَشْرَبُونَ فِيهَا الْخَمْرُ؛ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِيهِمْ (عليه السلام) در مورد ظرف اهل ذمه و مجوس پرسیدم؛ حضرت فرمودند: «در ظرف آن‌ها و از غذایی که می پزند و در ظرفی که در آن شراب می خورند، نخورید». (حر عاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۱۹).

بررسی: آیت الله خویی اگرچه این روایت را از لحاظ سند قبول دارند ولی روایت را از لحاظ دلالت بر نجاست اهل کتاب قاصر می دانند. بلکه روایت را دال

بر طهارت ذاتی اهل کتاب می‌دانند. چرا که اگر منظور امام نجاست ذاتی اهل کتاب بود، نمی‌بایست اجتناب را مقید می‌نمودند به ظروفی که در آن ظروف خمر نوشیده شده‌اند و یا ظروفی که در آن‌ها غذا پخته‌اند و باید به طور مطلق حکم به اجتناب می‌فرمودند. پس تقیید امام نشان می‌دهد که دلیل امر به اجتناب خاصیت قیود است نه خاصیت مقید. مثلاً نهی از استعمال ظرف غذا، دو دلیل می‌تواند باشد. الف: ممکن است در غذایشان گوشت یا روغن نجس باشد. ب: ممکن است مواد غذا پاک باشد ولی خود ظرف از قبل منتجس شده باشد مثلاً به این دلیل که در این ظرف شراب نوشیده باشند. در نتیجه از آن‌جا که اهل کتاب اهل رعایت طهارت و نجاست نمی‌باشند پس ظروفشان هنوز هم نجس است و طاهر نشده است و این نجاست ظروف در نهایت سبب نجاست غذا هم می‌شود.

۲. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْمٍ مُسْلِمِينَ يَأْكُلُونَ وَحَضَرَهُمْ رَجُلٌ مَجُوسِيٌّ؛ أَيْدِعُونَهُ إِلَى طَعَامِهِمْ؟ فَقَالَ أَمَّا أَنَا فَلَا أُوَاكِلُ الْمَجُوسِيَّ وَ أَكْرَهُ أَنْ أُحْرِمَ عَلَيْكُمْ شَيْئًا تَصْنَعُونَهُ فِي بِلَادِكُمْ؛ عبد الله بن يحيى کاهلی نقل می‌کند از امام صادق (علیه السلام) در مورد تعدادی از مسلمین پرسیدم که آن‌ها غذا می‌خورند در حالی که کنارشان مردی مجوسی حضور دارد. آیا او را به خوردن از غذایشان دعوت نمایند؟ حضرت فرمودند: «اما من که همراه مجوسی غذا نمی‌خورم و دوست ندارم که شما را بر چیزی اکراه نمایم که در شهرهایتان انجام می‌دهید». (حرعاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۱۹).

بررسی: این روایت دلالتی بر نجاست اهل کتاب ندارد چرا که ممکن است این ترک هم غذا شدن، به دلیل عدم مناسبت شریک شدن معاند با امام مسلمین باشد لذا این ترک، به دلیل کراهت و تنزه امام نسبت به این امر می‌باشد.

۳. صَفْوَانُ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ صَافَحَ رَجُلًا مَجُوسِيًّا؟ قَالَ يَغْسِلُ يَدَهُ وَلَا يَتَوَضَّأُ؛ محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر (علیه السلام) در مورد مردی که با مرد مجوسی دست می‌دهد پرسیدم؛ حضرت فرمودند: «باید دستش را بشوید و وضو نگیرد». (حرعاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۲۰).

بررسی: صحیح این است که این روایت هم دلالتی بر مدعا ندارد زیرا اگر قرار

بود این امر به شستن، به دلیل ازاله نجاست حاصل از برخورد با بدن مشرک باشد، می‌بایست روایت مفید به تر بودن بدن مشترک می‌بود. چون که در اثر برخورد با نجس خشک که نجاست منتقل نمی‌شود. پس این امر به شستن حمل بر استحباب می‌شود؛ همانطور که برخی هم به آن رای داده‌اند.

۴. عَنْ حُمَيْدِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) فِي مُصَافَحَةِ الْمُسْلِمِ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ؟ قَالَ مِنْ وَرَاءِ الثُّوبِ فَإِنَّ صَافِحَكَ بِيَدِهِ فَأَغْسِلْ يَدَكَ؛ ابوبصیر می‌گوید از امام باقر و یا امام صادق (علیهما السلام) در مورد دست دادن مسلمان با یهودی و نصرانی پرسیدم. حضرت فرمودند: «از روی لباس دست بدهد و در غیر این صورت دستش را بشوید». (حر عاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۲۰).

بررسی: این روایت هم مانند روایت سابقه فقط دلالت بر استحباب شستن دست پس از مصافحه با اهل کتاب دارد چرا که اگر نجاستی می‌بود باید در فرض مصافحه از روی لباس نیز امر به شستن لباس می‌شد.

۵. عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُوَآكَلَةِ الْمَجُوسِيِّ فِي قِصْعَةٍ وَاحِدَةٍ وَ أَزْ قَدْ مَعَهُ عَلَى فِرَاشٍ وَاحِدٍ وَ أَصَافِحُهُ؟ قَالَ لَا؛ علی بن جعفر می‌گوید که از امام کاظم (علیه السلام) در مورد هم غذا شدن در یک ظرف و اقامت بر یک فرش با مجوسی پرسیدم؛ حضرت فرمودند: «این کار را نکنید». (حر عاملی، ۱۱۰۴ ه. ق، ج ۳، ص ۴۲۰).

۶. عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي أَخَالِطُ الْمَجُوسَ. فَأَكُلُ مِنْ طَعَامِهِمْ؟ قَالَ لَا؛ هارون بن خارجه می‌گوید که به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من با مجوس اختلاط دارم، آیا از غذای آن‌ها بخورم؟ حضرت فرمودند: «خیر». (حر عاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۲۰).

بررسی: این دو روایت هم دلالتی بر مدعا ندارند چون که رطوبت در هیچ کدام نیامده است و لذا باید نهی در دو روایت را حمل بر کراهت نمایم چرا که به صرف

خوابیدن یک مسلم و یک کافر بر روی یک فرش، بدن مسلم نجس نمی شود و این نهی کراهی، برای نهی مسلمانان از مخالطه و رابطه با کفار است.

۷. بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِي بْنِ جَعْفَرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَنِ النَّصْرَانِيِّ يَغْتَسِلُ مَعَ الْمُسْلِمِ فِي الْحَمَّامِ؟ قَالَ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ نَصْرَانِي غَتَسَلَ بِغَيْرِ مَاءِ الْحَمَّامِ إِلَّا أَنْ يَغْتَسِلَ وَحْدَهُ عَلَى الْحَوْضِ فَيَغْسِلُهُ ثُمَّ يَغْتَسِلُ وَسَأَلَهُ عَنِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ يَدْخُلُ يَدَهُ فِي الْمَاءِ أَيْتَوَضَّأُ مِنْهُ لِلصَّلَاةِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يُضْطَرَّ إِلَيْهِ؛ عَلَى بِنِ جَعْفَرٍ نَقَلَ مِي كُنَدَ كَهْ اَزْ اِمَامِ كَاظِمِ (عَلَيْهِ السَّلَام) دَرْ مَوْرِدِ فَرْدِ نَصْرَانِي كَهْ خُوْد رَا دَرْ حَمَامِ بَهْ هَمْرَاهِ مَسْلِمَانِ مِي شُوِيْد پَر سِيْدِم؛ حَضْرَتِ فَرْمُوْدَنْد: «اگر مسلمان می داند که او نصرانی می باشد، با آب دیگری خودش را بشوید مگر این که ابتدا مسلمان خودش را بشوید و سپس نصرانی خودش را بشوید.» هم چنین در مورد یهودی و یا نصرانی که دستش را داخل آب فرومی برد پرسیدم که آیا می شود با آن آب برای نماز وضو گرفت؟ حضرت فرمودند: «خیر مگر اینکه به آن آب مضطر شوید.» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۲۱).

بررسی: صدر این روایت دلالت بر نجاست ذاتی فرد نصرانی دارد. اما دلالت بخش دوم روایت مخدوش است چرا که در صورت قبول ادعا باید اضطرار را حمل بر تقیه نماییم در حالی که این حمل مخالف ظاهر می باشد؛ زیرا صحیح این است که، اضطرار را عدم تمکن از آب دیگر دانست و در این صورت معنی روایت اینگونه می باشد که اگر آب دیگری غیر از آب مباشر با اهل کتاب نیافتی، با همان آب وضو بگیر. لذا این بخش روایت دیگر دلالتی بر نجاست ذاتی اهل کتاب نخواهد داشت چرا که اگر آب مباشر با اهل کتاب نجس باشد، تمکن یا عدم تمکن از آب دیگر نقشی در جواز وضو با آن آب نخواهد داشت و در هر دو صورت وضو با آن آب صحیح نخواهد بود. در نهایت این روایت دلالتی بر استحباب اجتناب از آب مباشر اهل کتاب خواهد کرد.

۸. بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرِكِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ فِرَاشِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ. يُنَامُ عَلَيْهِ؟ قَالَ لَا بَأْسَ وَلَا يُصَلَّى فِي ثِيَابِهِمَا وَقَالَ لَا يَأْكُلُ الْمُسْلِمُ مَعَ الْمَجُوسِيِّ فِي قِصْعَةٍ

وَاحِدَةً وَلَا يَقَعِدُهُ عَلَى فَرَاشِهِ وَلَا مَسْجِدِهِ وَلَا يُصَافِحُهُ. علی بن جعفر می گوید از امام صادق (علیه السلام) در مورد این که آیا بر فرش یهودی و یا نصرانی می توان خوابید پرسیدم و حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد ولی با لباس آن ها نماز خوانده نمی شود» و هم چنین فرمودند: «مسلمان نباید در یک ظرف با مجوسی غذا بخورد و نباید بر روی فرش او و محل سجده اش بنشیند و نباید با او دست بدهد». (حر عاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ۳، ص ۴۲۱).

بررسی: این روایت دلالتی بر نجاست ذاتی اهل کتاب ندارد زیرا در روایت فرض نشده آن چیزی که با اهل کتاب برخورد می کند، تر باشد. از طرفی می دانیم که نماز خواندن با لباس اهل کتاب صحیح است. پس روایت دلالت بر کراهت دارد نه حرمت.

مطالب مذکور روایات موافق با نجاست اهل کتاب و بررسی دلالات آن ها بود. برخی از آن ها بر مدعا دلالت داشتند و برخی نه. به گونه ای که اگر دلایل ما فقط همین روایات بود، حکم به نجاست اهل کتاب می دادید اما در این بین روایات مخالفی هم داریم که لازم است آن ها را نیز بررسی کنیم.

#### ادله طهارت

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ مُؤَاكَلَةِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالْمَجُوسِيِّ. فَقَالَ إِنْ كَانَ مِنْ طَعَامِكَ وَتَوَصَّأَ فَلَا بَأْسَ. عیص بن قاسم نقل می کند از امام صادق (علیه السلام) در مورد هم غذا شدن با یهودی و نصرانی و مجوسی پرسیدم و حضرت فرمودند: «اگر از غذای تو باشد و او دستانش را شسته باشد ایرادی ندارد». (حر عاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ۲۴، ص ۲۰۸).

بررسی: مفهوم این روایت عدم جواز خوردن از غذای اهل کتاب و یا استفاده از ظروفی که شسته نشده است می باشد. پس از این مفهوم ظاهر می شود که این عدم جواز، به دلیل نجاست غذایشان و یا نجاست عرضی دیگری می باشد. پس در نتیجه در صورت رعایت طهارت ظاهری توسط اهل کتاب، خوردن از غذای آن ها اشکالی ندارد و این روایت صراحتاً نجاست ذاتی اهل کتاب را نفی می نماید.

۲. وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: كُنْتُ نَصْرَانِيَا فَأَسْلَمْتُ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي عَلَى دِينِ النَّصْرَانِيَّةِ. فَأَكُونُ مَعَهُمْ فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ أَكُلُ مِنْ آيَتِهِمْ فَقَالَ لِي (ع) أَيَا كُلُونِ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ قُلْتُ لَا قَالَ لَا بَأْسَ؛ زَكَرِيَّا بْنُ إِبْرَاهِيمَ مَيَّ گويد: من نصرانی بودم و مسلمان شدم؛ به امام صادق (علیه السلام) گفتم که خانواده من بر دین نصرانیت هستند و من در کنار آن‌ها و با هم در یک خانه هستیم و از ظرف آنان غذا می‌خورم؛ حضرت به من فرمودند: «آیا آنان خوک می‌خورند؟» گفتم نه؛ حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد». (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۲۰۹).

بررسی: این روایت نیز مانع از هم گذاشتن با اهل کتاب را نجاست عارضی می‌داند نه نجاست ذاتی آن‌ها. دلیل اینکه شرب خمر نتوانسته مانع از هم گذاشتن سائل با اهل کتاب شود، چه بسا این باشد که سائل مبتلا به ظروف شرب خمر نبوده و شارب خمر نیز غالباً فقط لبانش نجس می‌شود و آن‌ها نیز معمولاً شسته می‌شوند و پاک می‌گردند. لذا شرب خمر مانع نمی‌شود. نهایتاً این روایت ملحق به روایت طاهر خمر می‌شود که یا طرح می‌شوند و یا تأویل می‌روند. منتهی از جهت تطهیر خمر.

۳. عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَا تَقُولُ فِي طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ؟ فَقَالَ لَا تَأْكُلُهُ ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً ثُمَّ قَالَ لَا تَأْكُلُهُ ثُمَّ قَالَ لَا تَأْكُلُهُ وَلَا تَتْرِكُهُ تَقُولُ إِنَّهُ حَرَامٌ وَلَكِنْ تَتْرِكُهُ تَنْزَهُ عَنْهُ إِنَّ فِي آيَتِهِمْ الْخَمْرَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ؛ اسماعیل بن جابر می‌گوید به امام صادق (علیه السلام) گفتم در مورد غذای اهل کتاب چه می‌فرمایید؟ پس حضرت فرمودند: «آن را نخور». سپس اندکی سکوت کردند و فرمودند: «آن را نخور». سپس دوباره اندکی سکوت کردند و فرمودند: «آن را نخور. در ظرف آنان شراب و گوشت خنزیر می‌باشد». (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۲۱۱).

بررسی: این روایت طاهر در طهارت اهل کتاب می‌باشد.

۴. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ يُّ بِنِ فَضَالٍ عَنْ عُمَرَ وَ بِنِ سَعِيدِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّبَّاطِيِّ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَتَوَضَّأُ مِنْ كُوزٍ أَوْ إِنَاءٍ غَيْرِهِ إِذَا شَرِبَ مِنْهُ عَلَى أَنَّهُ يَهُودِي فَقَالَ نَعَمْ فَقُلْتُ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ الَّذِي شَرِبَ مِنْهُ قَالَ نَعَمْ؛ عمار ساباطی نقل می‌کند از امام صادق (علیه السلام) در مورد مردی پرسیدم که آیا می‌تواند از کوزه و یا ظرف یهودی وضو بگیرد؟ حضرت فرمودند: «بله»؛ گفتم از آن آبی که می‌نوشند؟! فرمودند: «بله» (حرعاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۱، ص ۲۹۹).

بررسی: این روایت هم صریح در مدعاست چون اگر نجاست اهل کتاب ذاتی می‌بود، دیگر وضو از آب کوزه جایز نمی‌بود. مورد این روایت یا قضیه خارجی است و یا قضیه حقیقیه که در هر دو صورت دلالت بر طهارت اهل کتاب دارد.

۵. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَنِ الْخِيَّاطِ أَوْ الْقَصَّارِ يَكُونُ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَبُولُ وَلَا يَتَوَضَّأُ مَا تَقُولُ فِي عَمَلِهِ قَالَ لَا بَأْسَ؛ ابراهیم بن ابی محمود: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: خیاط و یا فردی که لباس می‌شوید یهودی است در حالی که تو می‌دانی او بول می‌کند و خود را نمی‌شوید. در مورد کارش چه می‌گویی؟ حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد». (مجلسی، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۱۰، ص ۴۱۳).

بررسی: با توجه به نفی اشکال امام از لباس شستن یهودی، با توجه به این که بدن تر او با لباس برخورد می‌کند، این روایت نیز صریح در طهارت اهل کتاب می‌باشد.

۶. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا (ع) الْجَارِيَّةُ النَّصْرَانِيَّةُ تَخْدُمُكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا نَصْرَانِيَّةٌ لَا تَتَوَضَّأُ وَلَا تَغْتَسِلُ مِنْ جَنَابَةٍ قَالَ لَا بَأْسَ تَغْسِلُ يَدَيْهَا؛ ابراهیم بن ابی محمود می‌گوید به امام رضا (علیه السلام) گفتم که کنیز نصرانی به تو خدمت می‌کند در حالی که تو می‌دانی او خود را نمی‌شوید و از جنابت غسل نمی‌گیرد؟ حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد، دستانش را می‌شوید». (حرعاملی، ۱۴۱۶ ه. ق، ج ۳، ص ۴۲۲).

بررسی: مورد این روایت یا قضیه خارجی است و یا قضیه حقیقیه که در هر دو مورد دلالت بر طهارت اهل کتاب دارد.

علاوه بر این روایات، برخی از روایات که در اثبات نجاست اهل کتاب آمده بودند



نیز دلالت بر طهارت اهل کتاب دارند. مانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) بنابر وجه صحیح.

### ۲-۳. جمع بین اخبار

مقتضی جمع عرفی این است که اخبار اجتناب از اهل کتاب حمل بر کراهت شوند. دلیل این جمع این است که اخبار دسته دوم به نحو صریح و یا در حد صراحت، دلالت بر طهارت اهل کتاب دارند در حالی که روایات دسته اول در نجاست اهل کتاب ظهور دارند و صریح در مدعا نیستند و می توان آن ها را حمل بر امر به صورت استجابی نمود. به همین دلیل راه حل تعارض بین این اخبار حمل نص بر ظاهر می باشد. از آن جا که تعارض این اخبار با توجه به جمع عرفی مذکور تعارض بدوی است و نه مستقر، لذا نوبت به مرجحات تعارض مانند موافقت با کتاب یا مخالفت با عامه نمی رسد.

نکته: آیه شریفه ۳۸ سوره توبه بنابر نظر مرحوم خوئی دلالت بر نجاست ذاتی اهل کتاب ندارد چرا که احکام طهارت و نجاست بعد از نزول آیه شریفه تشریح شده اند و منظور از نجس بودن آنان در آیه، خبث باطنی اهل کتاب می باشد.

### ۳-۳. نظر نهایی مرحوم آیت الله خوئی

با توجه به روایات طهارت، و رفع تعارض بین اخبار موجود، می بایست به طهارت اهل کتاب رای داد اما با توجه به فتوای معظم متقدمین و متأخرین بر نجاست اهل کتاب، نمی توان رأی به نجاست اهل کتاب را کنار گذاشت. لذا بنابر احتیاط لازم، می بایست از آن ها پرهیز نمود.

### ۴. جمع بندی

با توجه به ادله مذکوره توسط شیخ طوسی قول به نجاست را اقوی می دانیم و از آنجا که جمع مرحوم خوئی را جمع تبرعی می دانیم تعارض بین اخبار، تعارض مستقر می گردد و حکم در تعارض اخذ به مرجحات می باشد. با توجه به مرجحات و ادله ادعا شده قول به نجاست اهل کتاب هم موافق با ظاهر کتاب می باشد و هم

مخالف عامه و هم موافق مشهور؛ لذا روایات دال بر نجاست هم مرجح جہتی دارند، هم صدوری و هم مضمونی. در صورت فرض نبود مرجحات نیز باید در مسئله توقف نماییم و ملزم به احتیاط شویم که در این صورت نیز پرهیز از اهل کتاب لازم می‌شود. از طرفی علاوه بر این موارد، خود مرحوم خوئی نیز همان‌گونه که گذشت، برخی از روایات دال بر نجاست اهل کتاب را تمام دانسته و نتوانستند در آن‌ها خدشه نمایند.

## ۵. نتیجه

شیخ طوسی که یکی از متقدمین است قائل به نجاست ذاتی اهل کتاب است. ایشان در ضمن فروعات فقهی به دفعات به این نظر خود اشاره داشته و در برخی موارد دلیل خود را نیز ذکر نموده‌اند. مجموع ادله او را می‌توان تمسک به قرآن کریم، روایات، اجماع و احتیاط دانست. مرحوم خوئی با توجه به روش استنباط خود به فحص ادله می‌پردازد. ایشان پس از بیان روایات و ادله قائلین بر نجاست ذاتی اهل کتاب ورد آنان، روایات مورد استناد طهارت اهل کتاب را بیان می‌کنند و تعارض میان این دو دسته اخبار را تعارض بدوی نشان می‌دهند و آنان لذا این اخبار را با یکدیگر جمع می‌کنند. در نهایت ایشان با توجه به صراحت روایات دسته دوم و غلبه آنان بر ظهور روایات دسته اول، رأی به طهارت اهل کتاب می‌دهند اما با توجه به شهرت رأی به نجاست در میان فقها، احتیاط را در پرهیز از آنان می‌دانند. در نهایت با توجه به مطالب مذکور، اهمیت شهرت و برآیند ادله، قول به نجاست ذاتی اهل کتاب قوی‌تر می‌باشد.

## ٦. فهرست منابع و مؤاخذ

قرآن كريم.

١. حرعاملی، محمدبن حسن. ١٤١٦هـ. ق. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم، ايران. مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
٢. خويي، سيد ابوالقاسم. ١٤١٨هـ. ق. التنقيح في شرح العروة الوثقى. قم، ايران. موسسه احياء آثار الامام الخويي.
٣. طوسي، محمد بن حسن. ١٣٦٥هـ. ش. تهذيب الاحكام (چاپ چهارم). تهران، ايران. دارالكتب الاسلاميه.
٤. طوسي، محمد بن حسن. ١٤٠٧هـ. ق. الخلاف. قم، ايران. جماعة المدرسين في حوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الاسلامي.
٥. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي. ١٤٠٦هـ. ق. ملاذ الاخيار في فهم تهذيب الاخبار. قم، ايران. كتابخانه عمومي آيت الله العظمى مرعشى نجفى (ره).
٦. طوسي، محمد بن حسن. ١٣٨٧هـ. ق. المبسوط في فقه الاماميه (چاپ سوم). تهران، ايران. مكتبة المرتضوية.
٧. طوسي، محمد بن حسن. ١٤٠٠هـ. ق. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى (چاپ دوم). بيروت، لبنان. دارالكتاب العرب.

